


کنترپوان



والتر پیستون

ترجمه: هوشنگ کامکار



ناشر تخصصی موسیقی	نشر نای ولی
	کنتریسوان
هوشنگ کامکار	والتر بیستون
<p>طرح جلد: بارزین خزالی نت‌نگاری و صفحه‌آرایی: نای ولی نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰ چاپ: بنگان صحافی: رونق شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۴۰۲-۰۰۷</p>	
<p>سرشناسه: بیستون، والتر، ۱۹۷۶-۱۸۹۴ م. عنوان: کنتریسوان دید آورا: والتر بیستون مشخصات نشر: تهران، نای ولی، ۱۴۰۰ مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص. وضعیت فهرست نویسی: قیفا یادداشت: چاپ قلی: افق ۱۳۸۶ موضوع: کنتریسوان شناسه افزوده: کامکار، هوشنگ، ۱۳۲۵. مترجم. رده‌بندی کنگره: MT ۵۵ رده بندی دیویی: ۷۸۱/۴ شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۵۶۴۲۲</p>	
<p>فروشگاه نشر نای ولی: تهران، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، مجتمع تجاری فروزنده، طبقه همکف شماره ۳۰۸ تلفن پیش: ۶۶۴۶۷۱۴۰ تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۷۴۰۵</p>	
<p>تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به نشر نای ولی است. هرگونه تکثیر و تولید (کلی و جزئی) به عرصه‌های چاپ، فتوکپی، صوتی، تصویری و الکترونیکی یا دیجیتال بدون مجوز کتبی ناشر، ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.</p>	
<p>فروشگاه اینترنتی: www.nayoney.com</p>	

فهرست

۶	پیشگفتار.....
۸	درباره والتر پیستون.....
۹	مقدمه.....
۱۳	فصل ۱: منحنی ملودی.....
۲۷	فصل ۲: ریتم ملودی.....
۴۳	فصل ۳: اصول هارمونیک.....
۶۵	فصل ۴: ریتم هارمونی.....
۷۹	فصل ۵: کنترپوان دوبخشی.....
۱۰۷	فصل ۶: ساختمان موتیف.....
۱۲۷	فصل ۷: کنترپوان سهبخشی.....
۱۵۱	فصل ۸: کنترپوان بیش از سهبخش.....
۱۷۷	فصل ۹: کنترپوان معکوس شدنی.....
۲۰۱	فصل ۱۰: کانن دوصدایی.....
۲۲۳	فصل ۱۱: دیگر انواع کانن.....
۲۴۳	نتیجه گیری.....

پیشگفتار

اهمیت یادگیری فن کنترپوان بر هیچ‌یک از موسیقیدانان دیروز و امروز پوشیده نیست. نقطهٔ اوج و تکامل فن کنترپوان را می‌توان در آثار «یوهان سباستیان باخ» دید: تأثیر باخ تا به امروز در تمام مکاتب موسیقی حتی در موسیقی مدرن دیده می‌شود. کمبود کتابی را همیشه در فن کنترپوان حس می‌کردم. نخستین کتابی که در قلمرو کنترپوان در زبان فارسی به چاپ رسید کتاب کنترپوان «گنت‌کنان» با ترجمهٔ «دکتر هرمز فرهنگ» به سال ۱۳۵۳ بود. این کتاب با همهٔ نیاز جامعهٔ موسیقی فقط یک‌بار به چاپ رسید. ناشر کتاب (انتشارات دانشگاه تهران) به‌رغم نیاز وافر جامعهٔ موسیقی در اندیشهٔ چاپ‌های بعدی نبود. باید با تأسف گفت: اکثر کتاب‌های موسیقی که ناشر آنها مؤسسات و یا دانشگاه‌های دولتی هستند رغبتی به چاپ مجدد این آثار ندارند. مؤلفان و مترجمان این‌گونه آثار هدفشان از ترجمه یا تألیف فقط ارتقاء رتبهٔ دانشگاهی است. برخی از کتاب‌های ترجمهٔ اینجانب هم که ناشر دولتی و دانشگاهی داشته است با تمام نیاز جامعهٔ موسیقی در همان چاپ اول متوقف شده است. امیدوارم ترجمهٔ این کتاب مورد توجه دانشجویان موسیقی قرار گیرد. با توجه به این‌که فن کنترپوان نه‌تنها در بسط و گسترش موسیقی غربی نقش مهمی دارد بلکه موسیقی شرقی گرایش بیشتری به استفاده از فن کنترپوان دارد تا فن هارمونی چراکه در موسیقی مشرق زمین به‌راحتی می‌توان ملودی‌های مختلفی را با یکدیگر تحت قواعد خاص ترکیب کرد حتی ملودی‌هایی که دارای فواصل ربع‌پرده‌ای هستند. اگر این ملودی‌ها به‌صورت کنترپوانتیک و بدون توجه بیش‌ازحد به قواعد فواصل عمودی هارمونیک به‌کار برده شوند چون فواصل ربع‌پرده در حالت عمودی است، به عقیدهٔ برخی از منتقدین موسیقی نمی‌تواند به‌کار برده شود و این امر را ضعف موسیقی شرقی برای چندصدایی کردن موسیقی می‌دانند، اما امروز با توجه به آزادی‌های چندانی که در استفاده از اصوات در موسیقی مدرن به‌وجود آمده است این اظهار نظر منتقدین موسیقی قابل بحث و بررسی است. دنیای ارتباطات سریع امروزی برای آهنگسازان مشرق زمین این امکان را فراهم کرده است که بتوانند آثارشان را که حاوی نغمات مُدال و فواصل ربع‌پرده‌ای است با شیوهٔ کنترپوانتیک خاص تألیف کنند و این تألیفات را با ارکسترهای بزرگ جهان همراه با نوازندگان مخصوص اجرا کنند؛ اما باید توجه داشت که آهنگساز باید چگونگی ترکیب این‌گونه ملودی‌ها و سازها را با آگاهی‌های خاصی که لطمهٔ جدی به شخصیت

پیش‌گفتار / ۷

ملودی‌ها نژند انجام دهد. مترجم نمونه‌های کوچکی را از مواردی که ذکر شد در کشور سوئد با ارکستر سمفونیک (Naka) و «ارکستر سمفونیک مالمو»، در لندن با «ارکستر سمفونیک جوانان»، در آلمان با «ارکستر سمفونیک دوسلدورف» و هم‌چنین آثاری از «لوچیانو بریو» که توسط «ارکستر سیمفونیتای لندن» اجرا شد را تجربه کرده است. هنرجویان موسیقی می‌توانند آثاری را که در ایران با فن کنترپوانتیک که در آن از ملودی‌هایی با فواصل ربع‌پرده و سازهای ایرانی و حتی در مواردی با حفظ حالات مُدال برخی گوشه‌های ردیف موسیقی ایرانی تألیف شده است را گوش کنند. در پایان این پیش‌گفتار لازم می‌دانم از دوست و یاور همیشگی ام احمدرضا احمدی شاعر معاصر به خاطر دل‌مشغولی سخت او به نشر آثار موسیقایی که در جامعه موسیقی ایران نقش اساسی دارد تشکر کنم. همانند کتاب ارکستراسیون تألیف کنت‌کنان که زحمات فراوانی برای چاپ آن متحمل شده‌اند این بار نیز با پیگیری مداوم او توانستم این کتاب را نیز ترجمه کنم و زحمات و تنظیم متن و یافتن ناشر را به او سپردم. از همکاران دیگرم: شهره احمدی (حیدری)، ماهور احمدی، محسن عمادی ویراستار کتاب، معصومه مظاهری، ملیحه بشنویلی و آقای رضا هاشمی‌نژاد مدیر نشر افق در چاپ نخست تشکر فراوان دارم و هم‌چنین از آقای وطنیان مدیر مسئول نشر نای‌ونی برای چاپ مجدد و ویرایش جدید کتاب تشکر ویژه دارم.

هوشنگ کامکار

اردیبهشت ۱۴۰۰

درباره والتر پیستون

(۱۸۹۴-۱۹۷۶)

آهنگساز و معلم آمریکایی در سال ۱۸۹۴ در «روکلند» به دنیا آمد و در ۱۹۷۶ از جهان رفت. پس از پایان دوره دبیرستان به سال ۱۹۱۲ در مدرسه هنر ماساچوست به تحصیل نقاشی پرداخت و در سال ۱۹۱۶ از این مدرسه فارغ التحصیل شد، پیستون در همین ایام موسیقی را به عنوان کار دوم آغاز کرد و در خلال جنگ جهانی دوم به نیروی دریایی پیوست و در نقش نوازنده ساکسیفون گروه موسیقی نظام به خدمت پرداخت. ۲۶ ساله بود که دانشجوی سال اول مدرسه هاروارد شد و در ۱۹۲۴ به پاریس رفت تا نزد «نادیا بولانژه» به تحصیل موسیقی بپردازد. بولانژه یکی از مهم ترین مدرسان فرانسوی بود که آهنگسازان آمریکایی بسیاری در محضر او موسیقی خواندند.

پیستون در سال ۱۹۲۶ به آمریکا بازگشت و عضو هیئت علمی دانشکده موسیقی هاروارد شد. پیستون معلم و آهنگسازی است که تأثیر به سزایی بر آهنگسازان آمریکایی نهاده است؛ چراکه به تکنیکی بس منسجم و کامل مجهز بود؛ اگرچه شاید بتوان گفت که بر مبانی خشک تدریس اصرار فراوان داشت و آثارش از این جهت به تمامیت و انسجامی استادانه تمایل دارند ولی لهجه اصیل و جسور همین آثار حیرت انگیز و شگفت‌اند. گفتنی است که کارهای غالب شاگردانش در هاروارد از منظر تکنیکی در رتبه‌های نخست برجسته موسیقی قرار دارند.

اغلب، موسیقی او را در شمار آثار نئوکلاسیک محسوب می‌کنند ولی تنابیر کنتربواتیک قدرتمند و حجم و عمق موسیقایی چشم‌گیر این آثار تا حدی او را از نئوکلاسیک‌ها مجزا می‌کند. پیستون تعادلی دقیق و حیرت‌آور میان عوامل موسیقایی چون ملودی و هارمونی و ریتم در آثارش برقرار می‌کند. والتر پیستون در طول زندگی‌اش جوایز بسیاری دریافت کرده است، از آن جمله است:

Boston Symphony Hazbit Award; Guggenhain Fellowship; Pulitzer Prize;

پیستون صاحب دکترای افتخاری موسیقی از کنسرواتوار موسیقی فیلادلفیا، عضو آکادمی ملی هنرها و آکادمی هنرها و علوم آمریکا بود. او آثار فراوانی تصنیف کرده است از قبیل آثار سمفونیک، کنسرتو، سونات‌هایی برای ویولن، ویولا و غیره. از جمله مهم ترین تألیفات او کتاب‌های هارمونی، اصول آنالیز هارمونی و کنترپوان را می‌توان نام برد که به عنوان کتاب‌های درسی در غالب مدارس، کنسرواتورها و دانشکده‌های موسیقی تدریس می‌شوند.

مقدمه

هنر کنتربوان، هنر ترکیب خطوط ملودی است؛ اما عصاره جان چندصدایی، (که خود جزئی از نیروی حیاتی موسیقی است)، چیزی بیش از فرایند ترکیب و اجراست و آن را باید تقریباً در همه موسیقی یافت. به بیان روشن‌تر، غالب آثار موسیقی تا حدودی کنتربوانتیک‌اند.

همان‌طور که تلویحاً از لفظ کنتربوانتیک برمی‌آید، کنتربوانتیک در اصل، ایده ناسازگاری است. تقابل میان توافق و عدم توافق میان عوامل مختلف بافت موسیقی، عناصر نخستین کنتربوانتیک را در موسیقی تشکیل می‌دهند. آموزش کنتربوان مشتمل بر آموختن این کیفیت‌های توافق و عدم توافق و به دیگر سخن، وابستگی و عدم وابستگی است.

مثلاً، وابستگی یا توافق هارمونیک را می‌توان با استفاده از هماهنگی و به یاری سازگاری میان ریتم‌های هارمونیک و ریتم‌های ملودیک تدارک دید. در ریتم، می‌توان توافقی از تأکیدها یا ضربان‌های قوی و فعالیت‌های ریتمیک برقرار کرد. در خطوط ملودیک، آن را می‌توان از طریق آنچه حرکت مشابه می‌خوانیم، ایجاد کرد و هم‌زمان با صداها، مختلف به اوج و فراز رسید.

همه این مسائل تا حدودی مشارکت در سبک کنتربوانتیک است. روال چندصدایی، بسته به گرایش آهنگساز و به نسبت عناصر پیچیده وابستگی یا استقلال فرق می‌کند. در کنتربوان مشقی (تمرینی) رایج و عمومی، مشابه آنچه در هارمونی قرن هجده و نوزده وجود داشت، نمی‌توان پیدا کرد. در تمامی این دوره‌ها نمی‌توان چنان بر تفاوت‌های به‌کاررفته در آکوردها و در طرق استفاده از آنها انگشت گذاشت که عمومیت تمرین‌های هارمونیکی که برای همه آهنگسازان این دوره مرسوم بود را باطل اعلام کرد. درحالی‌که رفتار عناصر کنتربوانتیک در همین آهنگسازان وسیع‌ترین امکانات و آگرایی و تکثر را نشان می‌دهد.

از منظری تاریخی، سه اوج و قله در هنر کنتربوان به چشم می‌خورد. نخستین قله، چندصدایی محض دوره گوتیک و کنتربوان استادانه و فاضلانه «مدرسه فرانکو فلمیش» و پیروانش محسوب می‌شود. دومین قله، موسیقی نیمه دوم قرن شانزدهم است به شکلی که «پالستینا» آن را تعریف کرد و سومین نقطه اوج در دوره باروک، چنان‌که در آثار «یوهان سباستیان باخ» به عیان می‌توان دید.

۱۰ / کنترپوان

نخستین دوره‌ای که بدان اشاره کردیم، تأثیری زنده بر موسیقی ما نداشته است، اما باخ و پالستینا نمایندگان شاخص چندصدایی شناخته شده‌اند. اندکی تأمل و تدبیر بر آثار این دو مرد بزرگ، وجود دو نوع مشخص برخورد، دو گرایش و سبک متمایز در چندصدایی را فاش می‌کند. این هر دو سبک، در توسعه هنر موسیقی اهمیتی بسیار دارند و آموزش هر دو نوع نوشتن کنترپوانتیک برای همه موسیقی دانان و شاگردان موسیقی واجب است؛ اگرچه هدف این درس فقط آزمودن آن نوعی از فن کنترپوان است که باخ، به بهترین شکلی آن را توصیف و تشریح کرده است.

کنترپوان قرن شانزدهمی که به حق کنترپوان «سبک پالستینا» خوانده شده است، در مطالعات منتشرشده مدرسه‌سیتی چون «جیسن»، «مریت» و «موریس» به نحو احسن مورد مذاقه قرار گرفته است و ورود بیشتر در این موضوع ضرورتی ندارد. سبک پالستینا نوعی چندصدایی مشخص است که حد و حدود معین و تعریف شده‌ای دارد. در این سبک، حضور یک متن به معنی درآمندی بر عنصری فراموسیقایی است که مبنای ریتمی موسیقی را تا حد وسیعی ترین می‌کند. اشتغال به اصول هارمونیک نیز در قیاس با لهجه به کاررفته در قرون متأخر به شدت محدود است. از این رو نباید از این سبک موسیقی انتظار داشت تا اصولی را به کار گیرد که در بیشتر ادبیات موسیقی متأخر به کار می‌روند. اگرچه آموختن سبک پالستینا در نوشتن چندصدایی بس پر بها و با ارزش است، (ارجح و قریبی که فقط محدود به آهنگسازان کُرال نمی‌شود و شناخت آن برای همه شاگردان موسیقی ضروری است) ولی دلایلی بسیار در دست است که چرا آموزش کنترپوان به نحوی که غایت خود را در موسیقی باخ یافته است، ضرورتی تام و تمام دارد.

این شیوه گرایش هارمونیک، ریتمیک و سازی به بافت کنترپوانتیک فقط مشخصه نخستین اسلاف باخ نیست که حتی می‌توان با اطمینان تصریح کرد که غالب آهنگسازان پس از باخ، حتی آهنگسازان قرن حاضر به روش او چون غایتی در فن کنترپوان نگریسته‌اند. نباید فراموش کنیم که هدف اساسی فن‌آموزی در موسیقی کشف چگونگی نوشتن موسیقی نیست بلکه بیان آن است که موسیقی پس از این چگونه باید نوشته شود و برآنیم که ادبیات سیصدسال اخیر، مبانی منطقی آموزش کنترپوان را فراهم آورده است.

مقدمه / ۱۱

مقالات سنتی و دروس کنترپوان توجه اندکی به هارمونی و ریتم دارند و به آثار واقعی به‌عنوان نمونه‌ها و اصول توجهی نمی‌کنند. شیوه‌های اتخاذشده در آموزش کنترپوان در سبک‌های کهن و کیفی آموزش با سبک‌های مرتبط با اندیشه مدرن تفاوت دارند. عموماً، در آموزش فوگ، مقدمات لازم را تدریس نمی‌کنند و شاگردان در این احساس خسران به سر می‌برند که نمی‌توانند میان آنچه خود از کنترپوان آموخته‌اند و آنچه در روال‌های باخ می‌بینند، ارتباطی برقرار کنند. ولی عملاً همه روش‌های سنتی در این قصور و کوتاهی سهیم‌اند که بهره‌مندی از دانش عملی آهنگسازان را ملاک عمل خود قرار نمی‌دهند و بیش از هر چیز در امر نوشتن موسیقی می‌کوشند با این‌که تردیدی نیست که با این شیوه، هیچ‌کس نمی‌تواند حتی با ده سال علم‌اندوزی مدام بیاموزد که موسیقی چگونه نوشته می‌شود.

تأکید می‌کنیم که این کتاب، به‌هیچ‌وجه، آموزش سبک شخصی باخ نیست. ویژگی‌های جامع‌الاطراف آثار باخ و تفوق عملی آثارش، این امر را اجتناب‌ناپذیر می‌کند که بیشتر مثال‌ها را از میان کارهای او انتخاب کنیم. اگرچه می‌کوشیم تا نمونه‌هایی از آثار آهنگسازان دیگری را هم تا حد امکان ضمیمه کنیم و در بررسی اصول متعدد نوشتن کنترپوانتیک از آن‌ها هم مدد بجوییم.

با این‌که نمی‌توان گفت که روشی مشترک در آموزش کنترپوان در میان آهنگسازان سه قرن اخیر وجود دارد، ولی ذکر این نکته خالی از لطف نیست که تفاوت روش‌ها، در اصول و عناصر اصلی نیست و فقط در میزان استفاده هر یک از این فن نهفته است.

امید آن می‌رود که آموزش این عناصر و اصول در فهم موسیقی همه زمان‌ها مفید باشد، به‌خصوص آن‌که درک و فهم موسیقی معاصر را به‌کار آید. شاید آهنگسازان معاصر، در این امر به هم شباهت دارند که همه، تجربه شخصی خود را در موضوع فرایند کنترپوانتیک به اشتراک گذاشته‌اند.

شاگردان باید هشیار باشند که بی‌دلیل شیفته کنترپوان نشوند یا این‌که واژه کنترپوانتیک را مترادف خیر و نیک ندانند.

بیشتر آثار بزرگ موسیقی، اندکی کنترپوانتیک هستند. بنابراین کیفیت کنترپوانتیک امری مطلق نیست و این کیفیت در میان آثاری که مشخصاً کنترپوانتیک خوانده می‌شوند، متفاوت است؛ مانند یک فوگ باخ.



..... «والتر پیستون»

آهنگساز و معلم آمریکایی در سال ۱۸۹۴ در «روکلند» به دنیا آمد و در ۱۹۷۶ از جهان رفت. ۲۶ ساله بود که دانشجوی سال اول مدرسه هاروارد شد و در ۱۹۲۴ به پاریس رفت تا نزد «نادیا بولانژه» به تحصیل موسیقی بپردازد.

پیستون معلم و آهنگسازی است که تأثیر به‌سزایی بر آهنگسازان آمریکایی نهاده است؛ چراکه به تکنیکی بس منسجم و کامل مجهز بود. گفتنی است که کارهای بیشتر شاگردانش در هاروارد از منظر تکنیکی در رتبه‌های نخست بر جسته موسیقی قرار دارند. اغلب، موسیقی او را در شمار آثار نئوکلاسیک محسوب می‌کنند ولی تدابیر کنترپوانتیک قدرتمند و حجم و عمق موسیقایی چشمگیر این آثار تا حدی او را از نئوکلاسیکها مجزا می‌کند. از جمله مهمترین تألیفات او کتابهای هارمونی، اصول آنالیز هارمونی و کنترپوان را میتوان نام برد که به‌عنوان کتابهای درسی در غالب مدارس، کنسرواتوارها و دانشکده‌های موسیقی تدریس می‌شوند.



..... «هوشنگ کامکار»

آهنگساز، مترجم و استاد موسیقی، متولد سال ۱۳۲۵ شمسی می‌باشد. وی در سال ۱۳۵۱ وارد «دانشگاه تهران» شد و پس از اخذ لیسانس موسیقی با بورس اهدائی از کشور ایتالیا در کنسرواتوار «سانتاجی چیلیای» شهر رم به فراگیری فنون کنترپوان و فوگ پرداخت. در سال ۱۳۵۷ مدرک فوق لیسانس خود را از «دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو» در رشته تاریخ موسیقی گرفت و پس از بازگشت به ایران در دانشگاه هنر و دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. هوشنگ کامکار از آهنگسازان پویا و پرکار ایران محسوب می‌شود که در کنار آهنگسازی آثار ارزشمندی را در زمینه آهنگسازی ترجمه و تالیف کرده‌است.



www.nayoney.com
Design: Nazanin khazae



مرکز موسیقی بتهوون شیراز